



ایوب آقاخانی در گفت و گو با «ایران جمعه»

از بحران می گوید و نیک و بد موروثی اش

غذا را در تبلت سرو نمی کنند

ایوب آقاخانی، نمایشنامه نویس، کارگردان و بازیگر تئاتر و مدرس دانشگاه که در حوزه بازیگری در دنیای تصویر هم فعال است، می گوید «تئاتر ایران اثبات کرده که هیچ وقت بدون یک شوک شروع به حرکت جدی ای نمی کند و کرونا در نقش این شوک به ما فهماند که چه میزان در فضای حرفه ای تئاتر و حرفه تئاتر شکننده ایم.» بیماری ای که در تمام دنیا نقش یک بحران تمام عیار را بازی کرد؛ بحرانی که نه یک روز و دو روز، که بیش از یکسال است تمام عرصه ها و بسترهای زیست بشری را در نور دیده است. همین بشری که برای گریز از روزمرگی ها و تکرارهای جهان، به سالن های سینما و تئاتر پناه می برد حالا از این امکان نیز دور مانده و این بخشی از داستان زیست با این بحران بزرگ است. بحرانی که در نمونه خود کم نظیر اما نتیجه ای تقریباً شبیه تمام بحران های پیش از خود داشته است. سؤال اینجاست که این بحران ها جریان های فرهنگی را به چه سمت و سویی می برند؟ چه از آن کم می کنند و چه به آن اضافه می کنند؟ آیا به عنوان مثال تئاتر و سینما پس از این دوران، شکل تازه یا حداقل چیزی بیشتری را کمتر شده از گذشته خود هستند؟ درباره این سؤال و سؤالاتی از این دست، با آقاخانی پای حرف نشسته ایم تا درک و دریافت او را از وضعیت امروز و چشم اندازش از روزها و سال های آتی و پس از بحران را بدانیم و بخوانیم.

از تئاتر به عنوان حرفه یاد کنیم، به ما فهماند که به نسبت جُزف دیگر که گاهی حتی دستاویز لطیفه پردازی ما بوده اند، شکننده تریم و به ما یاد آوری کرد که اساساً عرصه فرهنگ و هنر بخصوص در جامعه ما که جامعه ای ایدئولوگ به شمار می آید، عرصه ای شکننده تر و ترک های پیداشده بر پیکرش در مان ناپذیرتر، عمیق تر و در نتیجه آسیب زنده است. کرونا به ما تلنگر زد که اگر بخواهیم به ادامه حیات در روزهای پیش رو بیندیشیم ناگزیر از اتخاذ تدبیری در این زمینه

مهم ترینش می توان از تلنگری جدی به تئاتر ایران، نام برد. چرا که تئاتر ایران اثبات کرده که هیچ گاه بدون یک شوک شروع به اقدامی جدی نمی کند و کرونا در نقش این شوک به ما فهماند که چه میزان در فضای حرفه ای تئاتر و حرفه تئاتر شکننده ایم و می بایست سرعت در اندیشه پیدا کردن مسیرهایی گوناگون برای ادامه بقای آن باشیم. به عقیده من، این تلنگر تنها تأثیر مثبت کرونا بر تئاتر ایران بود و به ما فهماند که از نظر حرفه ای در نقطه ای نیستیم که بخواهیم

همگی کم و بیش از آنچه کرونا در ۱۶ ماه گذشته بر سر تئاتر و اهالی اش آورده آگاهیم اما می توان این سؤال را مطرح کرد که آیا شیوع کرونا، دستاوردی هم برای تئاتر داشته است؟ یا اگر ۱۰ سال بعد به این روزها نگاه کنیم می توانیم از چیزی، حتی نقطه ای کوچک به عنوان آنچه از نشستن ناگزیر کرونا و تئاتر کنار هم، به دست داده یاد کنیم؟ اگر چه ضرر و زیان کرونا برای تئاتر ایران بسیار بیش از دستاوردهایش است اما خالی از نکات مثبت هم نبوده از جمله نکاتی که به عنوان

زیستن، ابزاری برای حفظ تجربه های ناب عوامل اصلی بقای اجتماع است. ابزاری برای حفظ گوهر «توان هم زیستی» شکل بالخی از دوباره زیستن تجربه ها است. و تنهایی از بزرگ ترین ترس های بشر است. اجتماع و فعالیت های اجتماعی پناه این ترس بزرگ بشر است. تئاتر به مثابه امکانی برای گریز از تنهایی ست. امکانی برای اشتراکی جمعی است. راز مانایی آن هم در جمعیت است. چیزی از جنس آیین. این روزها بشر دارد نوع دیگری از زیست را تجربه می کند، ارتباطات گسترده تر و متفاوت را به واسطه فضای مجازی زیست می کند. امکانی در اختیار گرفته تا فارغ از قراردادهای مکانی و زمانی و زبانی ارتباط خود را توسعه دهد. اما گویی حسی از تنهایی بیشتر را در او بیدار کرده است. ترس بزرگ گویی سراغش آمده است. تنهایی. در دل این تجربه جوان کابوس

آنچه بشر را طی قرن ها از کوران حوادث جان بدر برده و توان زیست داده است و نه تنها مانع انقراض این گونه شده است بلکه امکان اصلی بقا و رشد و توسعه به او داده است توان آن در اجتماع سازی و زندگی جمعی است. اجتماع امر ناگزیر بشر است حالا دیگر انتخاب او نیست حتی اگر مقبولش نباشد. این زیست گروهی بشر را و داشته تا قواعد اجتماعی را نیز در پی قرن ها آزمون و خطا تبیین کند تا بتواند حفظش کند هر چند با مخاطرات بسیار و گاهی چه بسیار خطاها از زبان و خط تا شهر و قانون همه و همه مجموعه دستاوردهایی است که در همین راستا بشر ایجاد کرده است تا بتواند مفهوم اجتماع را بقا و تداوم بخشد. پیچیده ترین مفهومی که شاید اصلی ترین عامل تکامل و تداوم بشر است. اما برخی از اختراعات بشر مثل تئاتر گونه ای روایتگری برای تبیین مفاهیم عظیم چگونه

کابوس انزوا

احسان گرایلی / کارگردان تئاتر

